

بررسی روند تحولات میانگین سن ازدواج زنان و عوامل
اجتماعی جمعیتی مؤثر بر آن طی سالهای ۸۵-۱۳۷۵

مجری

پروانه آستین‌فشان

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

پژوهشکده‌ی آمار

پاییز ۱۳۸۷

به نام خداوند جان و خرد

پیش‌گفتار

سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن یکی از عمده‌ترین راه‌های شناخت کشورها از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی برای برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی خدمات و فعالیت‌های ملی و منطقه‌ای است. امروزه در اغلب کشورها سرشماری‌های نفوس به فاصله‌ی ۵ یا ۱۰ سال یک بار به مرحله‌ی اجرا در می‌آید. در جمهوری اسلامی ایران نیز سرشماری عمومی نفوس و مسکن مطابق ماده‌ی ۴ قانون مرکز آمار ایران، هر ده سال یک بار با فرمان رئیس جمهوری اجرا می‌شود. این سرشماری در سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ منطبق با جدیدترین روش‌های علمی به مرحله اجرا درآمده است.

از آنجایی که در این سرشماری‌ها، جمعیت به‌عنوان محور و هدف توسعه، از ابعاد مختلف مورد توجه قرار می‌گیرد و اطلاعات به تفصیل گردآوری می‌شود، لذا از منابع بسیار غنی در شناخت ویژگی‌های جمعیتی کشور محسوب می‌شوند.

اگرچه داده‌های خام سرشماری فی‌نفسه نمادهای گویایی از خصیصه‌های مختلف جمعیت یک جامعه‌اند، اما ارزش واقعی آن‌ها زمانی پدیدار می‌شود که توسط اهل فن با رویکرد به پیوندهای متقابل پدیده‌ها تحلیل و تفسیر شوند. به منظور حصول به این گونه تحلیل‌ها، پژوهشکده‌ی آمار برای اولین بار با کمک پژوهشگران و صاحب‌نظران اجتماعی، اقتصادی و آماری اقدام به انجام طرح‌های پژوهشی در ابعاد گسترده در زمینه تحلیل ویژگی‌های جمعیتی (اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی)، مسکن، امکانات و تسهیلات، مهاجرت (داخلی، خارجی) نموده است.

مجموعه حاضر یکی از طرح‌های انجام شده در زمینه تحلیل نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ می‌باشد که امید است پاسخگوی بخشی از نیاز کاربران باشد.

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات	۱
۱-۱- مقدمه	۱
۱-۲- طرح مسأله	۳
۱-۳- ضرورت و اهمیت موضوع	۴
۱-۴- اهداف تحقیق	۷
فصل دوم: مروری بر مبانی نظری (تئوری‌ها)	۹
۲-۱- مبانی نظری تحقیق	۹
۲-۲- چارچوب نظری تحقیق	۲۱
۲-۳- متغیرهای تحقیق	۲۵
۲-۴- سؤالات تحقیق	۲۵
۲-۵- فرضیات تحقیق	۲۶
۲-۶- تعریف عملیاتی متغیرها	۲۶
فصل سوم: روش‌شناسی	۳۰
۳-۱- مقدمه	۳۰
۳-۲- روش تحقیق	۳۰
۳-۳- جامعه آماری	۳۰
۳-۴- واحد جامعه آماری	۳۰
۳-۵- روش آزمون فرضیات	۳۰
فصل چهارم: توصیف و تحلیل یافته‌های تحقیق	۳۱
۴-۱- مقدمه	۳۱

۳۲ توصیف یافته‌های تحقیق	۲-۴
۴۲ تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق	۳-۴
۴۳ تحلیل رگرسیونی چند گانه عوامل موثر بر میانگین سن اولین ازدواج	۴-۴
۵۱ فصل پنجم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	
۵۵ منابع و مأخذ	

فصل اول

کلیات

۱-۱- مقدمه

نهادهای اجتماعی وسیله پیوند زندگی اجتماعی هستند. آنها ترتیبات اساسی زندگی را که انسانها در کنش متقابل با یکدیگر پیدا می‌کنند و از طریق آنها تداوم در طول نسلها به دست می‌آید فراهم می‌کنند. ازدواج به عنوان پایه‌گذار خانواده است که نهاد اصلی جامعه به‌شمار می‌رود.

تعاریف متعددی از ازدواج ارائه شده است که به دو نمونه از آن اشاره می‌شود:

«ازدواج عملی است که پیوند بین دو جنس را بر پایه روابط پایای جنسی موجب می‌شود. بنابراین رابطه دو فرد از یک جنس چه به طور موقت و چه دائم ازدواج خوانده نمی‌شود. از سوی دیگر در تعریف ازدواج، روابط جسمانی بین دو جنس مخالف به خودی خود کافی به نظر نمی‌رسد. چه ازدواج مستلزم انعقاد قراردادی اجتماعی است که مشروعیت روابط جسمانی را موجب گردد. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۳).

کارلسون (karlsson, 1963: 31) در اثرش "انطباق پذیری و ارتباط در ازدواج" این تعریف را از ازدواج به دست می‌دهد: «ازدواج فرآیندی است از کنش متقابل بین دو فرد، یک زن و یک مرد، که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته‌اند و به طور کلی عمل آنان موردپذیرش قانون قرار گرفته و بدان ازدواج اطلاق شده است».

تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی دهه‌های اخیر سبب تحولاتی در روند ازدواج به ویژه سن ازدواج شده و آن را در مراحل انتقالی قرار داده است. از عمومیت و میزان ازدواج بخصوص در مناطق شهری کاسته شده و سن ازدواج به واسطه عواملی نظیر افزایش سطح تحصیلات و اشتغال زنان، میزان شهرنشینی رو به افزایش گذارده است. بدین ترتیب شاهد

تحولاتی در الگوی سنتی ازدواج (یعنی ازدواج‌های زودرس) به سمت الگوی مدرن (ازدواج‌های دیررس) هستیم.

ازدواج با باروری در هر جامعه به ویژه در جوامعی که برنامه تنظیم خانواده به صورت جدی رعایت نمی‌گردد، رابطه دارد. هر چقدر سن ازدواج پایین باشد، دوره باروری زنان طولانی‌تر شده و در نتیجه میزان باروری افزایش می‌یابد.

تحقیقات مختلفی در زمینه تحولات ازدواج در کشور صورت گرفته است ولی عمده این تحقیقات، تحولات ازدواج در سطح کشور را بررسی نموده و تحلیل اندکی در سطح استان به تفکیک شهر-روستا انجام شده است. در این تحقیق سعی می‌گردد روند تحولات سن ازدواج در سطح استان به تفکیک شهر-روستا مورد مطالعه قرار گیرد.

به منظور بررسی عوامل مؤثر بر تحولات فوق، از طریق رگرسیون چندمتغیره برخی ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان‌ها نیز محاسبه شده و تأثیر آن‌ها بر میانگین سن ازدواج (متغیر وابسته) سنجیده می‌شود.

تحقیق حاضر شامل کلیات تحقیق که در آن اهداف، ضرورت و اهمیت تحقیق، فرضیات، روش‌شناسی و مبانی نظری مطرح می‌شود.

فصل دوم به بررسی مبانی نظری می‌پردازد. فصل سوم شامل روش‌شناسی است و فصل چهارم به توصیف و تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق اختصاص دارد.

۲-۱- طرح مسأله

اکثر کشورهای غیرصنعتی به ویژه کشورهای آسیایی مانند ایران شاهد تحولات عمیقی در تمامی ابعاد (فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی) و گذر از الگوهای سنتی به سمت الگوهای مدرن می‌باشند. مثلاً در مورد ابعاد جمعیتی شاهد مرحله انتقالی باروری هستیم و جامعه به سمت کاهش و تحدید موالید پیش می‌رود. در مورد ازدواج هم شاهد تغییر و تحولاتی در آداب و رسوم آن می‌باشیم.

طی نیمه اول قرن بیستم تا ۱۹۷۰ الگوی غالب در اکثر کشورهای آسیایی ازدواج‌های زودرس و عمومیت آن حاکم بوده است. اما در حال حاضر در تمامی کشورهای آسیایی بجز کشورهایی که در جنوب آسیا واقع هستند، میانگین سن ازدواج زنان مجرد بالای ۲۰ سال است.

از سوی دیگر در اجتماعات سنتی و مذهبی مثل ایران روابط جنسی خارج از محدوده ازدواج، اقدامی خلاف تلقی می‌گردد. در نتیجه در وضعیت فعلی شاهد شکاف و فاصله‌ای عمیق بین سن بلوغ و سن ازدواج هستیم که ممکن است در سلامت روحی و روانی افراد جامعه تأثیر بسزایی داشته باشد. جوانی ساختار جمعیت ایران نیز بر اهمیت موضوع فوق می‌افزاید (Aghajanian, 1997). از این رو مطالعه روند تحولات سن ازدواج در جامعه و روابط آن با تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد.

در این تحقیق سعی بر آن است که با دید علمی و با رویکردی واقع‌نگر، در محدوده اطلاعات موجود، روند تحولات سن ازدواج و مهم‌تر از آن تأثیر برخی از عوامل موثر بر آن از جمله تحصیلات، اشتغال، شهرنشینی و نسبت جنسی سنجیده شود.

لازم به ذکر است که در این تحقیق به علت محدودیت زمانی و عدم اطلاعات کافی نمی‌توان به بررسی تمامی عوامل مؤثر پرداخت و همچنین نمی‌توان اثرات مثبت و منفی این تحولات را مورد ارزیابی قرار داد. امید است در آینده بتوان در ادامه این بررسی به سایر عوامل ذکر شده و به خصوص اثرات مثبت و منفی این تحولات پرداخت.

۳-۱- ضرورت و اهمیت موضوع

خانواده هسته بنیادین اجتماعات بشری است که قدمتی به درازای عمر انسان در زمین و گستره‌ای به وسعت این کره خاکی دارد. ازدواج گامی اساسی در تشکیل خانواده است. از درون خانواده سالم با محوریت روابط انسانی عادلانه و متعالی، اجتماع پویندگی و رشد در خور یافته و در مسیر کمال مادی و معنوی پیش خواهد رفت. در مقابل، ناهنجاری در روابط خانوادگی و ضعف این نهاد در ایفاء مسئولیت‌ها به ویژه در امر پرورش و جامعه‌پذیر نمودن کودکان و ایجاد شخصیت اجتماعی و نیز ارضاء حوائج عاطفی و روانی بزرگسالان جامعه را به بحران و سیر قهقرائی سوق می‌دهد. هم از این‌روست که نهاد خانواده و ازدواج همواره از ابعاد مختلف مورد توجه صاحب نظران و اندیشمندان بوده است.

هر چند تشکیل خانواده به عنوان یک عمل ارادی انسان، تابع خواست، تمایلات و دیدگاه‌های فردی است، اما زندگی اجتماعی انسان و روابط پیچیده او با پیرامونش، ازدواج را تحت روابطی دوسویه با متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و حتی سیاسی قرار می‌دهد و لذا به عنوان یک پدیده اجتماعی مورد توجه جامعه‌شناسان، جمعیت‌شناسان و اندیشمندان این حوزه مطالعاتی است. مطالعات موشکافانه و خردنگر در روابط درونی خانواده و یا خانواده و اجتماع پاسخ‌گوی بسیاری از سؤالات در خصوص تأثیر عوامل مختلف می‌باشد، اما از آن‌جا که در حوزه مطالعات اجتماعی، همواره علل و عوامل بسیار دیگری علاوه بر پارامترهای مورد بررسی در شکل‌گیری و روند تغییرات یک رویداد با پدیده اجتماعی دخیل‌اند، نتایج این‌گونه تحقیقات را هر چند دارای دقت کافی و روش اجرا باشند نمی‌توان عیناً به کل جامعه تعمیم داد و یا در این خصوص پیش‌بینی قطعی نمود. در مطالعات آماری کلان که آحاد افراد جامعه را در برمی‌گیرد، علی‌رغم محدودیت در سنجش تک تک عوامل و ویژگی‌ها، الگوهای کلی حاکم بر پدیده‌ها قابل شناسایی‌اند که می‌توان در تدوین استراتژی آتی مورد استفاده قرار گیرد.

سن بلوغ جسمی، روانی و اجتماعی به دلیل وجود امکانات بیش‌تر و هجوم اطلاعات سرسام‌آور و رشد فزاینده تغییر و تحولات اجتماعی و خانوادگی در سال‌های اخیر زودرس‌تر شده است، یعنی

این‌که سن بلوغ روانی، اجتماعی از رشد چشمگیری برخوردار بوده و به تبع آن آمادگی برای ازدواج و تشکیل خانواده مسلماً باید بیش‌تر شود. اما چرا سن ازدواج در مقایسه دو دهه گذشته بالاتر رفته، به عوامل متعددی بستگی دارد. آیا در چند دهه گذشته بلوغ در مقایسه با وضعیت فعلی در سنین زودتری اتفاق می‌افتاد که سن ازدواج پایین‌تر بوده و یا این‌که مجموعه عوامل اقتصادی و فرهنگی عواملی تسریع‌کننده در تشکیل زندگی قلمداد می‌شد؟ اگر رشد روانی اجتماعی بالا رفته پس چرا سن ازدواج افزایش یافته است؟ طبیعی است که در این میان باید به جستجوی عوامل منع‌کننده دیگری رفت.

عوامل فردی و درونی از یک سو و جو عمومی حاکم در اجتماع از سوی دیگر می‌تواند وصلت را تقویت یا تضعیف نماید. آنچه که مهم می‌نماید این است که چه عواملی می‌تواند زمینه‌ساز برانگیختگی آدمی برای ازدواج یا عدم ازدواج باشد.

رشد پیچیدگی‌های زندگی علی‌الخصوص در شهرها و بروز و ظهور مسائل و مشکلات متعدد، برانگیختگی آدمی را تحت الشعاع قرار داده و ازدواج را به تعویق می‌اندازد و مهم‌تر این‌که نقش اساسی در یک ازدواج پایا و پویا را عوامل پیوند دهنده بنیادین مشترک شکل می‌دهد.

در وضعیت فعلی با توجه به تغییر و تحولات فرهنگی به نظر می‌رسد جستجو و دریافت عوامل مشترک در بین افراد کم‌تر باشد. به همین جهت آن‌انگیزشی که در دهه‌های گذشته در بین افراد برای ازدواج وجود داشت فعلاً کم‌تر شده است. ازدواج به عنوان امری مقدس، حیاتی، همراه با ارزشگذاری‌های خاص اجتماعی در وضعیت فعلی تحت الشعاع مسائل دیگری قرار گرفته است.

در فرهنگ ایران زمین - چه در عصر باستان و چه در دوران پس از اسلام - زناشویی به عنوان تنها طریقه مقبول ارضاء تمایل جنسی و نیز تنها وسیله مشروع تداوم نسل، از ارجمندی و منزلت والایی برخوردار بوده است تا آن‌جا که در بسیاری موارد، از آن، به عنوان امری «مقدس» یاد شده است. انعکاس این احترام و تکریم را به روشنی می‌توان در آثار اکثریت قاطع اندیشمندان، نویسندگان و شاعران ایرانی از قدیم‌ترین ایام یافت. به عنوان مثال می‌توان از غزالی نام برد که به

شرح محاسن ازدواج می‌پردازد و پنج فایده برای آن قائل می‌شود. به نظر وی از مهم‌ترین فواید ازدواج فرزندآوری و اجتناب از گناه و معصیت است. (کتابی، ۱۳۷۹، به نقل از غزالی)

از اثرات منفی بالا رفتن سن ازدواج می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- تخریب و تهدید بهداشت روانی: تحقیق آماری نشان می‌دهد ۴۸ درصد از کل گروه نمونه از مردان مجرد در اضطراب متوسط به سر می‌برند و ۵۲ درصد از زنان مجرد همین نوع اضطراب را دارا هستند. ۳۲ درصد از زنان و ۳۸ درصد از مردان مجرد دارای اضطراب عمیق و شدید هستند و ۱۶ درصد از زنان نیازمند درمان‌های روانشناختی و کمک‌های حمایتی می‌باشند. زندگی زناشویی می‌تواند به عنوان عاملی قوی در برآورده ساختن بسیاری از نیازهای فردی و اجتماعی و احیای توانایی‌ها و رقابت‌های درونی باشد و نیز زمینه‌ساز سلامت روانی و رشد را مهیا سازد.

- ایجاد موانع و سدهای مهارکننده در راستای رشد و تعالی روحی، روانی.

- بروز و ظهور اختلالات و بیماری‌های روانی و اجتماعی مانند افسردگی، اضطراب، اعتیاد و بزهکاری اجتماعی.

- به هدر رفتن انرژی عظیم افراد که مانع از رشد و اعتلای اجتماعی می‌شود.

- ازدواج در سنین بالا به آن معناست که جوانان می‌بایستی دوره‌ای طولانی را در خویشنداری جنسی بگذرانند زیرا همه مذاهب به خصوص اسلام برقراری هر نوع تماس جنسی را جز بین زن و شوهر حرام می‌داند و جوانان حدود ۱۰ سال بین بلوغ و ازدواج را باید بکر باقی بمانند. واقعیت امر این است که روابط جنسی قبل از ازدواج و آمار روزافزون آن، نشان دهنده این مطلب است که جوانان تابوهای شرعی را نادیده می‌گیرند که این پدیده تهدید بزرگی برای سلامت جامعه به‌شمار می‌آید.

- افزایش فاصله سنی والدین و فرزندان و ایجاد اختلاف در سلیق و دیدگاه‌های دو نسل درون خانواده. (سلطان‌پور، ۱۳۷۹: ۱۲)

با توجه به مطالب ذکر شده در خصوص اهمیت ازدواج و اثرات منفی افزایش سن ازدواج، مطالعه‌ای در این باب جهت روشن شدن وضعیت و عوامل مؤثر بر آن به شیوه علمی و واقع‌نگر ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر بررسی سیر تحول سن ازدواج و عوامل موجد تغییرات آن، امکان برنامه‌ریزی و اعمال سیاست‌های مناسب و اتخاذ تدابیر و برنامه‌های عملی جهت کاهش سن ازدواج و هماهنگی آن با بلوغ جسمی و روانی را برای کارشناسان و دست‌اندرکاران اجرایی فراهم می‌آورد.

۱-۴- اهداف تحقیق

قصد بر آن است روند تحولات خانواده و ازدواج طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ به صورت اجمالی بررسی گردد و سپس پاره‌ای از عوامل مؤثر بر این تغییرات از طریق رگرسیون چند متغیره مورد تحلیل قرار گیرد. بنابراین اهداف تحقیق را می‌توان در دو بند به طور خلاصه نوشت:

۱. بررسی روند تحولات میانگین سن ازدواج طی دهه‌های ۸۵-۱۳۷۵.
۲. بررسی تأثیر برخی از عوامل اجتماعی، جمعیتی. (میزان تحصیلات، نرخ مشارکت اقتصادی، میزان شهرنشینی، میزان بیکاری و نسبت جنسی) بر میانگین سن ازدواج.

